

سروش خرد

منبع: سایت مجله فلسفه نو، روز شنبه، مورخ: ۹۱/۸/۲۷

www.New-philosophy.ir

عبدالکریم سروش طی سی و اندی سال گذشته، در فضای اندیشگی و روشنفکری ایران معاصر، چهره‌ای مطرح و بحث‌انگیز بوده است. کند و کاوها و جستارهای روشنفکرانه ایشان در طول این سال‌ها به چند دوره تقسیم می‌شود. در دوره نخست، کارهای سروش بیشتر صبغه کلامی دارد و متأثر از آموزه‌های فلسفه اسلامی است. آثار نخست ایشان مثل «نقدی و درآمدی بر تضاد دیالکتیکی»، «ایدئولوژی شیطانی»، «بینش دینی» و «یادنامه مرحوم مطهری» که تحت نظارت ایشان منتشر شده، بیشتر صبغه کلامی و احیاگرایانه دارد. در این آثار، او در کسوت یک متکلم در مقام دفع شبهات دینی بر می‌آید؛ مفاهیمی چون «خلط میان انگیزه و انگیزه»، «ایدئولوژی شیطانی»، «دگماتیسم نقابدار» ... محصول آن روزگار است. علاوه بر این، در این دوره سروش به فلسفه غرب هم می‌پردازد و خصوصاً دلمشغول شرح و بسط ایده‌های فلسفه علمی و توسعا فلسفه آنگلو ساکسون است؛ حوزه‌ای که پیشینه‌چندانی در ایران ندارد؛ آثاری چون «دانش و ارزش» و «علم چیست، فلسفه چیست» در این راستا منتشر می‌شود.

تا اواسط دهه شصت شمسی، وجهه احیاگرایانه عبدالکریم سروش بر وجهه روشنفکری او غلبه دارد؛ از نیمه دوم دهه ۶۰ به بعد است که با پرداختن به نسبت میان مقولات دینداری و روشنفکری و انتشار کتاب بحث برانگیز «قبض و بسط تئوریک شریعت»، وجهه روشنفکری در کارهای او برجسته‌تر و پررنگ‌تر می‌شود. در این دوران، سروش از فضای احیاگرایانه خود، کم و بیش فاصله می‌گیرد؛ بسامد واژه «احیاگری دینی» از اواسط دهه ۶۰ در آثار او کمتر می‌شود. در کتاب «تفرج صنع» که در حوالی اواسط دهه ۶۰ منتشر می‌شود، همچنان طنین مفهوم «احیاگری دینی» زیاد است؛ این امر حاکی از این است که تا آن زمان، سروش تحت تاثیر مرحوم طباطبایی و مرحوم مطهری است. اما از سال ۶۷ به بعد و با انتشار آثاری چون «روشنفکری، دینداری و رازدانی»، وجهه روشنفکرانه کار سروش برجسته‌تر می‌شود؛ روشنفکری به معنای عطف نظر کردن به محصولات معرفتی جهان جدید و گشوده بودن نسبت به آنها برای تقریر و صورتبندی مسایل پیش رو و به دست دادن راهکارهایی برای حل آنها. در این میان باید از سخنرانی او تحت عنوان «شریعتی و بازسازی فکر دینی» در دانشگاه مشهد در سال ۱۳۶۷ یاد کرد که اتفاقی مهم در کارنامه روشنفکرانه سروش به حساب می‌آید. چنانکه موثق شنیده‌ام، برخی از روحانیان مشهور - نظیر محمد تقی مصباح یزدی - از محتوای این سخنرانی سخت آزرده خاطر شدند؛ بدین سبب که بنا بر تحلیل ایشان، این سخنرانی نشان می‌داد سروش پا در مسیر دیگری گذاشته؛ مواجهه همدلانه با شریعتی بر این امر دلالت می‌کرد که او احساس همدلی و نزدیکی بیشتری با طایفه روشنفکران پیدا کرده است. اینچنین است که مؤلفه‌های روشنفکری در آثار سروش رفته رفته برجسته می‌شود. این نگرش روشنفکرانه در «قبض و بسط تئوریک شریعت» به عیان دیده می‌شود، جایی که از ترابط و تلائم میان معارف مختلف بشری سخن به میان می‌آید و مستمد و مستفید بودن معرفت دینی از سایر معارف بشری تبیین می‌شود. برای موجه سازی این مدعا، استدلالهایی چند

اقامه می‌شود؛ در سلسله مقالات «قبض و بسط تئوریک شریعت»، از آراء فیلسوفان غربی، مورخان علم تجربی جدید، همچنین فیلسوفان و متکلمان مسلمان برای نشان دادن انواع روابط میان معارف دینی و غیردینی استفاده شده است. غلبه نگاه روشنفکرانه در اوایل دهه ۷۰ شمسی با بحث از شریعتی و قرائت ایدئولوژیک او از دین پی گرفته می‌شود. «فربه‌تر از ایدئولوژی» سروش از این حیث اثر مهمی است؛ همچنین «مدارا و مدیریت» که در اواسط دهه هفتاد شمسی منتشر شد؛ در این آثار مقولاتی چون دیانت، سیاست، ایدئولوژی، روحانیت، لیبرالیسم، دموکراسی، سکولاریسم... به بحث گذاشته می‌شود. آنچه برشمرده شد ناظر به کارهای روشنفکرانه سروش و حرکت در شکاف میان سنت و مدرنیته است؛ نقد سنت با بهره‌گیری از ابزارهای معرفتی جهان جدید در سراسر دهه هفتاد این نگاه بر کارهای سروش غلبه دارد؛ اثر مهم دیگر او در این زمینه «آیین شهریاری و دین‌داری» است که در اواخر دهه هفتاد منتشر شده است. با ورود به دهه ۸۰، وجهه روشنفکری سروش همچنان پررنگ است. علاوه بر این، به نظر می‌رسد، دغدغه‌های کلامی و الهیاتی بیشتر شده، سروش می‌کوشد با مد نظر قرار دادن پروژه «تجدید تجربه اعتزال»، تلقی نوینی از مقولاتی چون «توحید» و «وحی» ارائه کند. در این میان، می‌توان به مکاتبات ایشان با آیت‌الله جعفر سبحانی درباره مفهوم وحی اشاره کرد. در همین سال‌ها نسخه انگلیسی «بسط تجربه نبوی» (پس از انتشار کتاب «عقل، آزادی و دموکراسی در اسلام» بوسیله انتشارات آکسفورد در اواخر دهه هفتاد شمسی) بوسیله انتشارات بریل منتشر می‌شود که مشتمل است بر مقالاتی چند از نسخه فارسی «بسط تجربه نبوی»، همچنین مقالات «صراطهای مستقیم» و «اصناف دین‌ورزی» به انضمام مکاتبات سروش با جعفر سبحانی. پرداختن به مباحث الهیاتی، از دغدغه‌های جدی سروش در این دوران است؛ طرح مقولاتی چون «صورت و بی‌صورتی» و نگارش مقالاتی چون «بشر و بشیر» و «طوطی و زنبور» و «رؤیای نبوی» به گونه‌ای است که گویی سروش در کار پی افکنی یک نظام الهیاتی جدید است. علاوه بر این، نقد اخلاقی فقه و سیاست و طرح مقولاتی چون «جامعه دینی / جامعه اخلاقی»، تفکیک میان «سکولاریسم فلسفی / سکولاریسم سیاسی» و انتشار «ادب قدرت، ادب عدالت» متعلق به فعالیت‌های این دوره فکری اوست. از آنجائیکه عبدالکریم سروش در این سالها بیشتر در خارج از کشور زندگی می‌کند؛ جنبه‌های هویتی اسلام نیز برای او پررنگ‌تر شده و بیشتر بدانها می‌پردازد و در برابر برخی وقایع موضع می‌گیرد؛ نظیر واکنش در برابر انتشار کاریکاتوری از پیامبر گرامی اسلام در نشریه دانمارکی در اواسط دهه هشتاد شمسی. اگر چه سروش در این دوره، جدی‌تر و صریح‌تر از گذشته به مسائل اجتماعی و سیاسی می‌پردازد، با این حال دغدغه‌های عرفانی او به قوت خود باقی است و به عرفان مولانا، حافظ و سعدی در سخنرانی‌ها و نوشته‌های خود می‌پردازد؛ برخی از مقالاتی که از ایشان در فصلنامه «مدرسه» منتشر شده، نظیر مقاله‌ای در باب مقایسه «قرآن» و «مثنوی»، همچنین مقاله‌ای در نشریه «ایران‌نامه» تحت عنوان «قیامتگاه عشق» و ایراد سخنرانی‌هایی چند درباره شعر و عرفان سعدی در آمریکا مؤید این امر است. علاوه بر این، سروش در این دوران به سیاست می‌پردازد، اما نه از منظر یک سیاست‌مدار، بلکه از منظر یک روشنفکر؛ چرا که روشنفکر به مثابه چشم بیدار جامعه رفتار می‌کند و در مقابل تحولات و مسائل جامعه حساس است. سروش به گواهی دوست و دشمن، یک مولوی پژوه و غزالی پژوه برجسته است؛ اما پرداختن به این امور کسی را روشنفکر نمی‌کند. روشنفکری با ایده‌ها و پرداختن به مسائل پیش روی جامعه سر و کار دارد. عموم روشنفکران دینی در فعالیت‌های درازآهنگ خویش به مشکلات و مسائل سیاسی و اجتماعی پیش رو نیز پرداخته‌اند. البته ورود به این مباحث مستلزم هزینه کردن از آسایش و راحتی خویش است؛ به همین سبب کسانی از ورود به این حوزه حذر می‌کنند و جریده

می‌روند که گذرگاه عافیت تنگ است. علاوه بر این، « روشنفکری دینی» از مفاهیم برساخته سروش در بیست سال اخیر است که موافقت و مخالفت زیادی را در فضای روشنفکری معاصر ما برانگیخته و سخنان و مقالات متعددی در تأیید و انکار آن در رسانه‌ها و نشریات مختلف داخل و خارج کشور منتشر شده است. باید عنایت داشت که پروژه روشنفکری دینی به مثابه گذرگاهی نیست که لزوماً افراد برای ورود به اردوگاه سکولاریسم از آن عبور می‌کنند؛ رد و یا پذیرش یک مدعا در نظام معرفتی افراد گوناگون، بستگی تام به پیشینه تربیتی و مجموعه معتقدات ایشان دارد و از ساز و کار پیچیده‌ای تبعیت می‌کند. به تعبیر ویتگنشتاین در اینجا با بازی‌های زبانی مختلفی مواجهیم. هنگامیکه کسی دینداری سنتی پیشه کرده، اقتضای این بازی زبانی، حرکت بر مدار دینداری سنتی است؛ اما هنگامیکه او، به هر علت و یا دلیلی دینداری سنتی را فرو می‌نهد و دین ورزی عالمانه را اختیار می‌کند؛ دینداری عالمانه خود را در تناسب با دستاوردهای فلسفی و علمی جدید سامان می‌بخشد. کسانی ممکن است سالها در بازی زبانی دینداری عالمانه و روشنفکری دینی، نگاه دینی خود را سامان بخشند و از آن خارج نشوند؛ برخی هم ممکن است پس از چند صباحی از فضای دینداری عالمانه خارج شوند و بی دینی را انتخاب کنند. همچنین ممکن است کسانی از دایره دینداری روشنفکرانه وارد دینداری سنتی شوند. علاوه بر این، ممکن است کسانی در برهه‌ای غیر دیندار باشند، اما پس از مدتی وارد جرگه دینداران سنتی شوند و یا بالعکس. چنانکه می‌بینیم؛ در اینجا با طیف رنگارنگی از انواع تعامل با ساحت قدسی مواجهیم که نمی‌توان آنرا به امر واحدی تحویل کرد. به نظر می‌رسد در آینده ایران زمین، روشنفکری دینی که می‌توان آنرا دینداری متجددانه و عالمانه نیز خواند، در کنار دیگر نحله‌های دینداری و بی دینی، به حیات خود ادامه خواهد داد و به هیچیک از آنها تحویل نخواهد شد. وقتی ما در زندگی درازآهنگ فکری و روشنفکرانه عبدالکریم سروش در دهه‌های اخیر تأمل می‌کنیم، می‌بینیم حد فاصل سال‌های ۵۸ تا ۸۷ شمسی، حضور ایشان در ایران، هم برای مخاطبان و هم برای منتقدان او مغتنم و رهگشا بود.